

An Examination of the Principle of Commitment and the Mutual Duties of the Islamic Republic of Iran and Afghan Refugees¹

Abolfazl Norian¹ **Ali Akbar Jahani²** **Ali Akbar Izadifard³**

1. PhD Candidate in Jurisprudence and Law, University of Mazandaran, Babolsar, Iran (Corresponding Author).

Email: Alaviesayyedali@gmail.com

2. Assistant Professor, Department of Jurisprudence and Law, University of Mazandaran, Babolsar, Iran.

Email: ali85akbar@yahoo.com

3. Assistant Professor, Department of Jurisprudence and Law, University of Mazandaran, Babolsar, Iran.

Email: ezadifard@umz.ac.ir



Abstract

The Islamic Republic of Iran, in both its domestic and foreign policy, has been able to present a worthy model in the international arena by using jurisprudential principles. The presence of refugees is one of the major issues for many countries, each of which responds to them according to its interests and policies. The jurisprudential Principle of Commitment is one of the most important rules related to refugees, and the Iranian government, based on this principle, must adopt it as a guiding framework in its policies toward Afghan refugees. This includes preserving the legal personality of refugees in all domains and fostering appropriate cultural awareness regarding conduct toward them. In contrast, Western countries, due to their utilitarian policies, often fall short of respecting refugee rights, while simultaneously presenting themselves in the media as defenders of such rights. This article aims first to explain the content

۱۰۰
فقه و حقوق

سال چهارم، شماره دوم، پاییز و زمستان ۱۴۰۲ (پیاپی ۸)

1. Norian, A., Jahani, A. A., & Izadifard, A. A. (2023). An Examination of the principle of commitment and the mutual duties of the Islamic Republic of Iran and Afghan refugees. *Journal of Jurisprudence and Politics*, 4(8), 100-128. <https://doi.org/10.22081/IJP.2025.71794.1071>

* **Publisher:** Islamic Propagation Office of the Seminary of Qom (Islamic Sciences and Culture Academy, Qom, Iran). ***Type of article:** Specialized

▣ **Received:** 2025/05/06 • **Revised:** 2025/05/19 • **Accepted:** 2025/09/16 • **Published online:** 2025/10/13

and foundations of the jurisprudential Principle of Commitment and to clarify its status and implications with a specialized approach. It then discusses the rights of refugees in various fields (political, economic, cultural), derived from jurisprudential and legal sources, and critically examines the behavior of the Islamic Republic of Iran toward Afghan refugees. The findings indicate that failure to implement laws related to Afghan refugees has caused multiple problems for the Iranian government in recent years. Addressing these problems requires mutual observance and adherence by both the Iranian government and Afghan refugees to their respective rights and duties. Neglecting this matter can have significant consequences in the areas of security, economy, and culture for both Iranian and Afghan societies. This study employs a descriptive–analytical approach, with a comparative research design and the method of fundamental theory analysis for data examination.

Keywords

Principle of Commitment, Afghan Refugees, Migration, Political Jurisprudence, Governmental Jurisprudence.

دراسة حول قاعدة الالتزام والواجبات المتبادلة بين حكومة

جمهورية إيران الإسلامية واللاجئين الأفغان^١

أبو الفضل نوريان^١ علي أكبر جهاني^٢ علي أكبر إيژدي فرد^٣

١. طالب دكتوراه في الفقه والقانون، جامعة مازندران، بابلسر، إيران (المؤلف المسنول).

Alaviesayyedali@gmail.com

٢. أستاذ مساعد، قسم الفقه والقانون، جامعة مازندران، بابلسر، إيران.

ali85akbar@yahoo.com

٣. أستاذ مساعد، قسم الفقه والقانون، جامعة مازندران، بابلسر، إيران.

ezadifard@umz.ac.ir

الملخص

إنّ الجمهورية الإسلامية الإيرانية تمكنت من أن تكون نموذجاً يحتذى به على الساحة الدولية بتطبيقها القواعد الفقهية في سياستها الداخلية والخارجية. وتعتبر قضية اللاجئين من القضايا المهمة للدول، حيث تتعامل كل دولة معها وفقاً لمصالحها وسياساتها. تعدّ قاعدة الالتزام الفقهية من أهمّ القواعد والمبادئ وأكثرها صلةً باللاجئين. وبناءً على هذه القاعدة، ينبغي على الحكومة الإيرانية إعطاء الأولوية لهذا المبدأ في سياساتها تجاه اللاجئين الأفغانين، وحماية الشخصية القانونية للاجئين في جميع المجالات، وترسيخ ثقافة سلوكية وأخلاقية مناسبة تجاههم في هذا الصدد. بسبب السياسة النفعية للدول الغربية، تنتهك حقوق اللاجئين، في حين تُقدّم هذه الدول نفسها باستمرار في وسائل الإعلام على أنها داعمة لحقوق اللاجئين. تسعى هذه الدراسة إلى توضيح محتوى وأسس قاعدة

١. **الاستناد إلى هذه المقالة:** نوريان، أبو الفضل؛ جهاني، علي أكبر؛ إيژدي فرد، علي أكبر. (١٤٠٢). دراسة حول قاعدة الالتزام والواجبات المتبادلة بين حكومة جمهورية إيران الإسلامية واللاجئين الأفغان. الفقه والسياسة، ٤(٨)، صص ١٠٠-١٢٨.

<https://doi.org/10.22081/IJP.2025.71794.1071>

□ نوع المقال: بحثية محكمة؛ الناشر: مكتب الإعلام الإسلامي في حوزة قم (المعهد العالي للعلوم والثقافة الإسلامية، قم، إيران) © المؤلفون

□ تاريخ الإستلام: ٢٠٢٥/٠٥/٠٦ • تاريخ التعديل: ٢٠٢٥/٠٥/١٩ • تاريخ القبول: ٢٠٢٥/٠٩/١٦ • تاريخ الإصدار: ٢٠٢٥/١٠/١٣



الإلزام الفقهية، ومكانة هذه القاعدة ودرجة فعاليتها بشكل متخصص، ثم من خلال بيان حقوق اللاجئين في مختلف المجالات (السياسية، والاقتصادية، والثقافية) المستمدة من المصادر الفقهية والقانونية، تنتقد وتدرس سلوك حكومة الجمهورية الإسلامية الإيرانية تجاه اللاجئين الأفغان.

الكلمات المفتاحية

اللاجئون الأفغان، الهجرة، الفقه السياسي، الفقه الحكومي.

بررسی قاعده التزام و وظایف متقابل دولت ج.ا.ایران و پناهندگان افغانستان^۱

ابوالفضل نوریان^۱ علی اکبر جهانی^۲ علی اکبر ایزدی فرد^۳

۱. دانشجوی دکتری رشته فقه و حقوق، دانشگاه مازندران، بابلسر، ایران (نویسنده مسئول).

Alaviesayyedali@gmail.com

استادیار، گروه فقه و حقوق، دانشگاه مازندران، بابلسر، ایران.

ali85akbar@yahoo.com

استادیار، گروه فقه و حقوق، دانشگاه مازندران، بابلسر، ایران.

ezadifard@umz.ac.ir

چکیده

۱۰۴

فقه و سیاست

سال چهارم، شماره دوم، پاییز و زمستان ۱۴۰۲ (پیاپی ۸)

ج.ا.ایران در عرصه سیاست داخلی و خارجی خود با بهره‌مندی از قواعد فقهی توانسته است الگوی شایسته در عرصه بین‌الملل باشد. مسئله حضور پناهندگان یکی از موضوعات مهم برای کشورها محسوب شده و هر یک براساسی منافع و سیاست‌های خود در قبال آنان رفتار می‌کنند.

قاعده فقهی التزام، یکی از قواعد و اصول مهم و مرتبط پیرامون پناهندگان بوده و دولت ایران براساس همین قاعده می‌بایست در سیاست‌های خود در قبال پناهندگان افغان، این اصل را سرلوحه خود قرار بدهد و در تمام عرصه‌های مختلف، شخصیت حقوقی پناهندگان را حفظ و در این زمینه فرهنگ‌سازی مناسب نسبت به رفتار و منش خود در قبال آنها داشته باشد. با توجه به سیاست منفعت‌گرایانه کشورهای غربی، نسبت به حقوق پناهندگان، اجحاف و کوتاهی می‌شود؛ این در حالی است که این کشورها پیوسته در رسانه‌ها، خود را مدافع حقوق پناهندگان معرفی می‌کنند.

مقاله حاضر درصدد است نخست با تبیین مفاد و مبانی قاعده فقهی التزام، جایگاه و تاثیرگذاری این قاعده را

۱. **استناد به این مقاله:** نوریان، ابوالفضل؛ جهانی، علی اکبر؛ ایزدی‌فرد، علی اکبر. (۱۴۰۲). بررسی قاعده التزام و وظایف متقابل دولت ج.ا.ایران و پناهندگان افغان. فقه و سیاست، ۴(۸)، صص ۱۰۰-۱۲۸.

10.22081/IJP.2025.71794.1071 <https://doi.org/>

□ نوع مقاله: تخصصی؛ ناشر: دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم (پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، قم، ایران) © نویسندگان

□ تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۲/۱۶ • تاریخ اصلاح: ۱۴۰۴/۰۲/۲۹ • تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۶/۲۵ • تاریخ انتشار آنلاین: ۱۴۰۴/۰۷/۲۱

با رویکردی تخصصی تبیین کرده، سپس با بیان حقوق پناهندگان در عرصه‌های مختلف (سیاسی، اقتصادی، فرهنگی) برگرفته شده از منابع فقهی و حقوقی، رفتار دولت ج.ا.ایران را در قبال پناهندگان افغان نقد و بررسی نماید.

یافته‌های پژوهش حاضر حاکی از آن است که عدم اجرای قوانین مرتبط با پناهندگان افغان، موجب بروز مشکلات متعدد برای دولت ایران در سال‌های اخیر شده است و حل این مشکلات در سایه رعایت و پابندی طرفینی دولت ایران و پناهندگان افغان نسبت به حقوق و وظایف خود در قبال یکدیگر بوده و عدم توجه به این مسئله عواقب متعددی در حوزه امنیت، اقتصاد و فرهنگ برای جامعه ایران و افغان در پی خواهد داشت.

در این پژوهش با رویکرد توصیفی - تحلیلی، با نوع تحقیق تطبیقی و روش تحلیل نظریه مبنا برای تحلیل داده‌ها استفاده شده است.

کلیدواژه‌ها

قاعده التزام، پناهندگان افغان، مهاجرت، فقه سیاسی، فقه حکومتی.

مقدمه

انسان همواره در طول تاریخ در مقابل برخی از تهدیدات و حوادث در صدد آن بوده است که مأمّن و پناهی مناسب و مطمئن برای ادامه زندگی خود تهیه کند. هرکس بنا به عواملی، جان یا حقوق خود و عزیزانش را به خطر بیند، حق دارد به کشور یا سرزمین دیگری پناهنده شود.

هر شخصی که پناهنده می‌شود، افزون بر آنکه خواهان تأمین امنیت خود است، باید بتواند نیازهای اساسی خود و خانواده‌اش را رفع کند؛ بنابراین اقامت در کشوری با ثبات سیاسی و استفاده از امکانات رفاهی آن، رویا و نهایت آرزوی هر پناهنده‌ای است. پناهندگی حقی است که به موجب آن هر شخصی که به علل مذهبی، ملیتی، نژادی یا عضویت در گروه‌های سیاسی و اجتماعی، نسبت به جان و یا حقوق خود و خانواده‌اش مورد تهدید قرار بگیرد، می‌تواند از آن بهره‌مند شده و به کشور یا سرزمین دیگری پناهنده شود.

پناهندگی در فقه و مبانی اسلامی از جمله عقود است که ذیل عنوان استجاره، امان و زنهار آمده است و اکثر فقها و اندیشمندان اسلامی در باب جهاد بحث و بررسی مفصلی داشته‌اند. استجاره و امان در واقع نوعی مصونیت و قرارداد سیاسی است که به موجب آن دولت اسلامی می‌تواند به بیگانه‌ای که قصد اقامت در کشور اسلامی را دارد، امان داده و او را همانند شهروندان خود، دارای حقوق فرض کند.

در عصر حاضر حضور گسترده پناهندگان افغانی در ج.ا.ایران، به‌عنوان یکی از مسائل مهم و اساسی برای دولت ایران محسوب شده و عدم اجرای قوانین پیرامون پناهندگان افغانی و نداشتن برنامه‌ریزی درست و منطقی، زمینه بروز مشکلات مهم در زمینه‌های مختلف امنیتی، سیاسی، اقتصادی و فرهنگی شده است.

بدیهی است با تعهد و تقید به اجرای کامل قوانین و مصوبات حقوقی پیرامون پناهندگان می‌تواند زمینه‌ساز حل این مشکلات و تبدیل آن به فرصت و ظرفیت جهت پیشرفت و سربلندی کشور ایران در عرصه داخلی و خارجی شود.

سوالات پژوهش

سوال اصلی

وظایف متقابل دولت ایران و پناهندگان افغان با توجه به قاعده التزام چگونه ترسیم می شود؟

سوال فرعی

- ۱- مبانی و مستندات قاعده التزام در فقه اسلامی و مبانی حقوق ایران چیست؟
- ۲- پناهندگان در عرصه های مختلف دارای چه حقوقی هستند؟
- ۳- راهکار پیشنهادی برای حل مشکلات و معضلات حضور پناهندگان افغان در ایران چیست؟

پیشینه تحقیق

الف: ادبیات پژوهش پیرامون قاعده التزام

- ۱- الفت (۱۳۸۶) در مقاله خود با عنوان «تأملی در مبانی و مقاد الزام و التزام در قراردادهای» به بررسی قاعده التزام می پردازد. وی ابتدا با بررسی لغوی و اصطلاحی واژه لزوم و التزام در کتب لغوی و حقوقی، به سراغ سیر تاریخی و تحولات مباحث مربوط به مبانی التزام رفته و منشأ و جایگاه آن را از اولین حضور این قاعده تاکنون معرفی می کند. بررسی مبانی فقهی و حقوقی پیرامون قاعده التزام در مستندات حقوق اسلامی و غربی به عنوان فصل اصلی مقاله حاضر بوده و نویسنده با رویکردی تطبیقی مبانی قاعده مذکور را در این منابع جست و جو کرده و به تحلیل هر یک می پردازد.
- ۲- موسوی و همکاران (۱۴۰۱) در مقاله خود با عنوان «قاعده التزام به قراردادهای»، با بیان مباحث مقدماتی در صدد آن است که با بیان مفهوم، مفاد و منابع قاعده التزام، جایگاه اصل التزام در فقه و حقوق، تفاوت های آن را با اصل لزوم و اصول و قواعد مشابه در حقوق ایران و غربی تبیین، و مقصود ماده ۲۱۹ قانونی مدنی را توضیح دهد. نویسندگان در مقام جمع بندی با بیان اینکه ماده ۲۱۹ قانون مدنی، التزام به قراردادهای را

پذیرفته، اصل را بر لزوم قراردادهای می‌داند و لزوم عقد و قراردادهای را شعبه‌ای از التزام به مفاد و محتوای آنها می‌باشد.

۳- صراف (۱۴۰۲) در مقاله خود «لزوم وفا به قرارداد با غیر مسلمانان» (مطالعه تطبیقی در فقه و حقوق ایران) به بررسی حیطه اصل لزوم و وفای به عهد پیرامون قراردادهای منعقد شده بین مسلمین و سایر ادیان پرداخته و با بیان مبانی لزوم وفای به عهد، تفاوتی بین کفار و مسلمین نسبت به موضوع مذکور در موضوعات مختلف اعم از سیاسی، نظامی و فرهنگی نمی‌داند. وی با بررسی موارد جواز نقض عهد و پیمان در صدد است تا اصل لزوم و وفای به عهد را به عنوان اصل اولی و ضمنی در تمامی عقود و قراردادهای برای مسلمین مطرح کرده و نسبت به این امر، مبانی فقهی و دینی در مقام تأکید دستوراتی را در قالب آیات و روایات فرموده‌اند.

ب: ادبیات پژوهش پیرامون مسئله پناهندگی

۱- وزیری و حمیسی (۱۳۸۶) در مقاله خود تحت عنوان «اصول مشروعیت پناهندگی و موارد مشابه آن در حقوق موضوعه» با بیان این مطلب که در قرآن و روایات مواردی متعددی به صورت مستقیم و غیرمستقیم به موضوع پناهندگی اشاره کرده‌اند و می‌توان با بررسی این مستندات، به جمع‌بندی و طرح دوازده اصل اشاره کرد. این اصول تحت عنوان اصول مشروعیت پناهندگی تعریف شده و هر یک با قرآن و روایات اهل بیت (علیهم‌السلام) قابل اثبات می‌باشد. نویسندگان در صدد آن هستند که تمام آنچه که نظام بین‌الملل در زمینه پناهندگی مطرح کرده‌اند و نسبت به آن دغدغه دارند، ذیل این اصول استخراج شده از منابع اسلامی قرار گرفته و می‌توان از این منظر آن را مورد توجه قرار داد.

۲- قدیر و کاظمی فروشانی (۱۳۹۷) در مقاله خود تحت عنوان «بررسی پدیده پناهندگی از منظر اسلام و حقوق بین‌الملل» با رویکردی تطبیقی حقوق پناهندگان با تأکید بر منابع و مستندات اسلامی و حقوق بین‌الملل، مطالب خود را تبیین کرده‌اند. آنها در جمع‌بندی خود با ذکر تشابه‌های فراوانی که بین اسلام و منابع بین‌الملل در موضوع

حقوق پناهندگان است، به این جمع‌بندی رسیده‌اند که دین مبین اسلام با نگاهی جامع و بدون تعصب، تمامی نیازها و مواردی که شخص پناهنده به جامعه اسلامی برای داشتن زندگی‌ای در آرامش نیازمند است را بیان کرده و به‌عنوان اولین کسی که در این موضوع سخن گفته است، شایسته تعریف و تمجید می‌باشد. اسناد بین‌المللی نیز وام‌دار این نگاه اسلام بوده و در این مسئله، تحت تأثیر بوده‌اند.

۳- محمد نژاد چاووشی و کارجو اجیرلو (۱۳۹۸) در مقاله خود تحت عنوان «نقش رعایت حقوق شهروندی مهاجرین و پناهندگان در توسعه پایدار از دیدگاه قرآن» صرفاً با تأکید بر قرآن کریم به‌عنوان تنها منبع و مستند مورد استفاده در این مقاله مورد توجه قرار گرفته است. نویسندگان با بیان این مطلب که دغدغه قرآن به‌عنوان منبع اصلی و اساسی در اسلام، رعایت عدالت در همه موضوعات و نسبت به تمامی افراد می‌باشد. از این‌رو مهاجرین نیز مثل مسلمین از حق برخوردار بوده و می‌بایست در تمام موضوعات حقوق آنها مورد توجه قرار بگیرد.

۴- مردانی و نویسندگان (۱۳۹۹) در مقاله خود تحت عنوان «وضعیت حقوق بیگانگان در ایران و ماهیت بین‌المللی» در صدد نشان دادن اهمیت و نقش مقررات بین‌المللی و کمی‌سار عالی پناهندگان در سازمان ملل متحد و همچنین جایگاه قوانین و منافع داخلی کشورها در شرایط مناسب برای پناهندگان باشد. همچنین شرایط سخت و دشواری که در کشورهای مبدأ، به‌عنوان عامل توسعه پناهندگی بوده و چنانچه سایر دولت‌ها به کمک و رفع مشکلات کشور مبدأ همکاری کنند، می‌توانند نسبت به این مسئله و جلوگیری از آن موثر باشند؛ بنابراین، بار این مسئولیت بر دوش کشورهای میزبان بوده و تا زمانی که این پدیده از ناحیه کشور مبدأ حل نشود، این چالش در سطوح مختلف جاری خواهد بود.

۵- ذکی (۱۴۰۱) در مقاله خود تحت عنوان «حقوق پناهندگان در اسلام و اسناد بین‌المللی» با طرح مفاهیم کلیدی و انواع پناهندگی و شرایط پذیرش پناهنده در منابع و مستندات دینی و بین‌المللی بحث خود را طرح کرده است. وی در جمع‌بندی نهایی با بیان حقوق اساسی پناهنده مثل امنیت، آموزش، اقامت، شغل و عدم استرداد و تبعیض

آن را به عنوان فصل مشترک بین منابع اسلامی و بین المللی دانسته و دولت ها را مکلف به رعایت آنها در حق مهاجرین و پناهندگان می داند.

با توجه به پیشینه مطرح شده، پژوهش حاضر در صدد آن است با رویکردی تطبیقی بین مفاد و محتوای اصل لزوم و مسئله پناهندگان افغانی به ج.ا.ایران، وظایف متقابل هر یک نسبت به دیگری را مطرح و به نقد و بررسی بپردازد. از آنجا که دولت ایران در قبال پذیرش پناهندگان افغانی دارای وظایفی بوده و از طرفی برای تحقق شخصیت حقوقی متناسب برای مردمان افغان، لازم به تصویب قوانین و رعایت آنها به صورت کامل است، جایگاه قاعده التزام به عنوان اصلی مهم مشخص می شود. متأسفانه هر یک از طرفین به نسبت، در انجام وظایف خود کوتاهی کرده اند و همین مسئله سبب بروز مشکلات در حوزه های اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و امنیتی شده است. نوآوری مقاله حاضر تبیین اصل التزام در موضوع پناهندگان افغانی بوده و تبیین جایگاه و اثرات آن می تواند در حل مشکلات پیش آمده در جامعه ایران تأثیر بسزایی داشته باشد.

۱. تعریف مفاهیم

۱-۱. قاعده التزام

منظور از قاعده التزام، لزوم وفای به عهد نسبت به عقود و پیمان هایی است که منعقد می شود؛ به این بیان که نمی توان آنها را یک جانبه و بدون جلب رضایت طرف مقابل فسخ کرد. گسستن عقد در صورتی مجاز است که یا موجبات فسخ قانونی فراهم باشد یا هر دو طرف بر انحلال و زوال آن توافق کنند.

فقه ها بر این باور هستند که نمی تواند از اجرای شروط ضمن عقد طفره رفت، مگر اینکه با توافق طرفینی یا در شرایطی که شارع تحت عنوان اختیارات تعریف کرده است، انجام شود (بجنوردی، ۱۴۱۰ق، ج ۱، ص ۲۰۱).

۲-۱. پناهندگی

در کنواسیون ۱۹۵۱ ژنو، پناهنده چنین تعریف شده است که کسی به دلیل ترس

موجه مربوط به نژاد، مذهب، ملیت یا عضویت در بعضی گروه‌های اجتماعی یا دارا بودن عقاید سیاسی، شکنجه و تحت فشار قرار بگیرد، و در خارج از کشور محل سکونت خود به سر می‌برد و نمی‌تواند و یا به علت قصد ندارد خود را تحت تابعیت آن کشور قرار دهد. بنابراین پناهندگی به کاری گفته می‌شود که شخص برای هدف مذکور انجام می‌دهد.

در فقه، سخنی از پناهنده یا پناهندگی وجود ندارد و بجای آن از تعبیرهایی مانند امان، استجاره و معاهده استفاده شده است. براین اساس، فقها مستأمن را چنین تعبیر می‌کنند «آن کس یا آن کافر حربی که با هر دین و تابعیتی با انگیزه مشروع برای مدتی موقت و بدون قصد اقامت دائم با اجازه و تضمین دولت اسلامی یا یکی از شهروندان آن وارد دارالاسلام شود (قدیر و کاظمی، ۱۳۹۷، ص ۵).

۲. مبانی نظری

۲-۱. قاعده التزام

۲-۱-۱. مفاد قاعده

برای روشن شدن این قاعده ابتدا باید معنای لزوم را تعریف کنیم. لزوم عبارتست از عدم امکان فسخ یک قرارداد به صورت مطلق از طرف یکی از متعاقدين در حالی که طرف دیگر راضی به فسخ نباشد (حسینی مراغی، ۱۴۲۵ق، ج ۲، ص ۴۲).

با توجه به معنای لزوم، مفاد اصل این است زمانی که در قراردادی از جهت لزوم و جواز شک و تردیدی به وجود آید و دلیل و اماره‌ای وجود نداشته باشد که این تردید را برطرف کند، نوبت به اجرای اصل مذکور می‌رسد. بنابراین امکان فسخ از طرف یکی از متعاقدين وجود نخواهد داشت مگر اینکه طرف دیگر به انجام فسخ رضایت بدهد. از این معنا به اصل لزوم قراردادها به تعبیر شده و براساس آن امکان فسخ از یک طرف قرارداد منتفی و بی اعتبار می‌شود.

اول: قرآن کریم

الف: آیه مبارکه: به قراردادهای وفادار و پایبند باشید (سوره مائده، آیه ۱).
آیه در مقام بیان حکم تکلیفی نبوده بلکه ارشاد به لزوم و اخبار از آنچه مورد انشاء عقلا در هنگام قراردادهای است، می‌باشد؛ به بیان دیگر، این آیه امضای قولی است برای اعتبار سیره عقلا نسبت به معاملاتی که در بین خود منعقد می‌شود.
برخی از فقها در مقام اشکال به مفاد آیه شریفه بر وجوب التزام بر این باور هستند که آیه شریفه صرفاً دستور به التزام به مفاد و مقتضای عقود را می‌دهد، اعم از اینکه عقود به نحو جایز یا لازم وضع شده باشد. لذا ممکن است عقد به صورت جایز منعقد شده باشد و دیگر امکان فسخ و تخلف آن وجود دارد و در این صفت عقد جایز است (حلی، ۱۴۱۵ق، ج ۶، ص ۲۵۵).

با توضیحی که در بیان نحوه استدلال به آیه شریفه مطرح شد، این اشکال برطرف می‌شود، چرا که این آیه مبارکه بیان کنند حکم تکلیفی نیست بلکه مفاد آن اخبار و ارشاد به آنچه میان عقلا متداول است می‌باشد؛ در واقع عقلا عقود و قراردادهای را صورت مطلق انشاء می‌کنند و آیه در مقام امضا، سیره مزبور را امضا می‌کند. بنابراین آیه شریفه مدعای بحث را اثبات می‌کند و می‌توان آن را به عنوان دلیل و مدرک معتبر این قاعده فقهی به محسوب می‌شود.

ب: «...لا تاكلوا اموالکم بینکم بالباطل الا ان تكون تجاره عن تراض منکم...» (نساء، ۲۹).
نسبت به صدر و ذیل آیه شریفه استدلال شده و فقها در دو مرحله بحث و بررسی کرده‌اند. در صدر آیه، خداوند دستور می‌دهد که تصرف و نقل و انتقال در مال بدون رضایت مالک، تصرف و اکل به باطل است و در صورتی که انتقالی بصورت عقد و قرارداد بدون حضور و اجازه مالک جایز نمی‌باشد و حرام خواهد بود (انصاری، ۱۳۷۵ق، ج ۱، ص ۸۵).

نسبت به قسمت دوم که به صورت مستثنی ذکر شده است صرفاً رضایت مالک (در صورت فقدان و عدم حضور مالک به عنوان طرف قرارداد) می‌تواند موجب تجارت و

معامله صحیح شده و این رضایت معقب می‌تواند معامله را صحیح کند (انصاری، ۱۳۷۵ق، ج ۱، ص ۸۵).

البته در این نحوه از استدلال به این آیه مبارکه جای اشکال است که این استدلال در صورتی صحیح است که ما به دنبال حکم تکلیفی باشیم ولی مدعای بحث اثبات حکم وضعی لزوم است و در نتیجه آیه، مدعای بحث که حکم وضعی لزوم باشد را ثابت نکرده و صرفاً ناظر به عقوبت انعقاد چنین قراردادی است (نجفی، ۱۴۰۴ق، ج ۲۵، ص ۱۷۵).
به بیان دیگر مراد از باطل در این آیه عبارتست از اسباب و عللی که مورد امضاء شرعی قرار نگرفته و نمی‌تواند موجب نقل و انتقال و آثار عقود شود. معنای آیه اینگونه خواهد بود که تصرف در اموالی که با سبب شرعی به دست نیامده، حرام بوده و مورد نهی است. آنچه که از عبارت «لا تاكلوا» فهمیده می‌شود، حرمت تکلیفی است و از این رو صرفاً ثابت می‌شود که حکم تکلیفی تصرف در اموال بدون اذن مالک چیست؛ ولی حکم وضعی لزوم به این آیه ثابت نمی‌شود و در نتیجه نمی‌توان برای اثبات حکم وضعی به این آیه استناد نمود (آهنگران، ۱۳۹۷، ص ۱۳).

دوم: روایات

منظور از روایات احادیثی است که به صورت عام و کلی اثبات لزوم را در همه قراردادها ضروری می‌داند و در مقام بیان نوع خاصی از قرارداد نیست. سه روایت که نحوه استدلال به آن نیازمند به بحث و بررسی می‌باشد، ذکر می‌شود.
الف: نبوی مشهور صلی الله علیه و آله: مومنین نسبت به شروط و قول خود مسئول هستند (حرعاملی، ۱۴۱۴ق، ج ۲۱، ص ۲۷۶).

این روایت ثابت می‌کند افراد مومن می‌بایست پایبند به تعهدات خود باشند و این پایبندی به معنای لزوم و عدم تخلف از آن است (انصاری، ۱۴۱۳ق، ج ۵۱، ص ۷۰).
این روایت دارای اشکال محتوایی بوده، به این بیان که نبوی دلیل بر لزوم پایبندی به شرط است و شرط الزام و التزام مربوط به التزام دیگر است؛ چنان که این مطلب مورد تصریح صاحبان کتب لغوی می‌باشد و آنها شرط را این طور معنا کرده‌اند؛ لذا بین الزام

و التزام نسبت به معنای شرط متفاوت بوده و نمی‌تواند یکسان باشد (ابن منظور، ۱۴۱۴ق، ج ۱۳ ص ۴۵).

در واقع آیه شریفه تنها نسبت به شروط و تعهداتی که ذیل عقد برای هر یک از طرفین وضع می‌شود دستور به رعایت و پایبندی به آن می‌دهد و این تعهد را نشانه‌ای از ایمان می‌داند. این مطلب غیر از لزوم عقد و عدم جواز تخلف از آن است. چراکه ممکن است که عقد لزومی نداشته باشد اما شروطی که متعاقدین برای یکدیگر قرار می‌دهند، لازم الاجرا است. به بیان دیگر معنا و ماهیت عقد الزام و التزام نیست؛ بلکه عقد به معنای پیمان و توافق دو قصد و اراده انشائی (اعتباری) است که این قصد و اعتبار در هر قراردادی شکل خاص به خود را دارد و نباید چنین تصور شود که تعهد (معنای شرط) مضمون و مفاد هر عقدی را در برگرفته و لازم الاجرا می‌شود (آهنگران، ۱۳۹۷، ص ۱۵).

ب: نبوی مشهور: مردم نسبت به اموال و دارایی‌های خود مسلط هستند (مجلسی، ۱۴۲۷ق، ج ۱، ص ۳۰۶).

این روایت در مقام بیان اصل احترام مالکیت افراد و ممنوعیت تجاوز به حق مالکیت آنان بوده و تصرف هر کسی نسبت به دارایی و اموال خود را محترم شمرده و بر این طریق عرفی امضا می‌کند. معنای این اصل آن است که هر فردی می‌تواند از مال خود، هر گونه استفاده‌ای بکند و همچنین می‌تواند دیگران را از بهره‌وری نسبت به آن مال منع کند. بعد از هر عقدی، شخص، مالک مورد معامله می‌شود و فسخ آن عقد و معامله موجب می‌شود که مالکیت تحصیلی وی نسبت به مال از بین رفته و با قاعده تسلیط منافات دارد؛ بنابراین فسخ جایز نبوده و در نتیجه لزوم عقد اثبات می‌شود؛ بنابراین دلالت روایت بر قاعده التزام تمام بوده و دارای خدشه و اشکال نخواهد بود.

ج: حدیث نبوی: جایز نیست کسی نسبت به مال دیگری تعدی و تصرف داشته باشد مگر اینکه از طیب و رضایت مالک آن صورت گرفته باشد (حرانی، ۱۴۰۰ق، ص ۳۳).

نحوه استدلال به این روایت نیز به این صورت است که چنانچه بواسطه قراردادی مالکیتی برای شخصی ثابت شود، مالک قبلی نمی‌تواند در مال وی تصرف کند حتی

اگر مسبوق به فسخ و اقاله توسط آن شخص باشد. چرا که آن مال دیگر در ملکیت او نبوده و در صورت تعدی و تصرف، تصرف بغیر اذن و اجازه خواهد بود (نجفی، ۱۴۰۴ق، ج ۲۵ ص ۱۶۷).

سوم: سیره عقلاء

هر قراردادی یک معنای مطابقی دارد که مضمون آن قرارداد را تشکیل می‌دهد؛ مثلاً عقد بیع به معنای تملیک عین در مقابل عوض معلوم است. این مدلول مطابقی، یک مدلول التزامی نیز دارد و آن عبارتست از التزام هر یک از طرفین به آنچه که طرف دیگر قرارداد انشاء نموده و نسبت به آن تخلف ننماید (بجنوردی، ۱۴۱۰ق، ج ۵، ص ۱۶۴). بر طبق این بیان اصل لزوم به واسطه دلالت التزامی که در بنای عقلا وجود دارد، ثابت می‌شود. با اثبات جریان سیره عقلا به بیانی که ذکر شد، سیره مزبور مورد ردع و منع شارع قرار نگرفته، در نتیجه حجت و معتبر بوده و لزوم یا عدم امکان فسخ قراردادی که به صورت فوق منعقد می‌شود، به اثبات می‌رسد (آهنگران، ۱۳۹۷، ص ۱۷؛ انصاری، ۱۴۱۳ق، ج ۳، ص ۵۱).

۲-۲. پناهندگی و پناهنده

انواع پناهندگی

پناهندگی سرزمینی (درون سرزمینی): وقتی کشوری در خاک و قلمرو خود به یک تبعه خارجی که وارد محدوده دولتی او شده و درخواست پناهندگی و اقامت می‌کند، پناهندگی دهد. این نوع پناهندگی حقی است که در داخل قلمرو دولت به او داده می‌شود (بایرامی فرد، محمد نسل و مددی، ۱۳۹۶، ص ۳۸).

پناهندگی مذهبی: پناهندگی مذهبی در صورتی است که فرد بخواهد تغییر آیین و مذهب دهد و دین انتخاب شده، مورد قبول کشورش نباشد. پناهندگی مذهبی، شرایط و قوانین خاصی دارد و شخص بدون ارائه مدارکی که نشان می‌دهد دین و مذهبی مورد نظر وی، مورد قبول و پذیرش کشورش نیست.

پناهندگی اجتماعی: در صورتی است که فرد در جامعه خود به دلایلی مانند: فقر، جنگ، بی آبی و.... دچار فشار و شرایط سخت اجتماعی و طبیعی شود و به پیدا کردن مکانی دیگر برای زندگی بهتر اقدام به پناهندگی می کند تا بتواند شرایط مناسبی برای خود و خانواده اش فراهم کند (بایرامی فرد، محمد نسل و مددی، ۱۳۹۶، ص ۳۸).

پناهنده نژادی: در صورتی است که فرد به دلیل نژاد، رنگ پوست، زبان و... در کشورش مورد آزار قرار گیرد. در واقع در کشور خود به دلیل تعصبات نژادی، زندگی خود در تنگنا قرار گرفته و او را بخاطر داشتن این ویژگی ها، مورد آزار و اذیت از سوی هموطنان خود قرار بگیرد.

پناهندگی سیاسی: در صورتی است که فرد افکار و عقاید سیاسی خاصی دارد و فعالیت ها و کارهایی نیز انجام می دهد و به دلیل همین عقاید و فعالیت ها، زندگی و آزادی اش تحت الشعاع قرار گرفته و می تواند زندگی او را مختل کند. در این صورت درخواست پناهندگی به کشور دیگری را می دهد.

پناهندگی جنسی: در صورتی است که فرد در گیر چالشی جنسیتی مانند همجنس گرایی یا تراجنسیت شده و این مشکل در کشورش مورد قبول قرار نگرفته باشد. به همین دلیل مورد تبعیض و بدرفتاری قرار می گیرد؛ در نتیجه برای اعمال تغییرات جنسیتی خود درخواست پناهندگی می دهد.

پناهندگی جنگی: در صورتی است که در کشور فرد، جنگ و نا امنی بوده و فرد برای پیدا کردن مکانی امن، مکان پناهنده می شود.

پناهندگی به دلیل عضویت در گروه اجتماعی خاص: زمانی که فرد عضو گروه خاصی است که به صورت علنی کارها و فعالیت هایی انجام می دهند که مخالفت با دولت، سیاست و نظام کشورش باشد. به همین دلیل فرد مورد تعقیب و مجازات قرار گرفته و عقاب و مجازاتی در انتظار او خواهد بود.

پناهندگی برون سرزمینی: نوعی از پناهندگی است که یک دولت در خارج از قلمرو حکومت خود، سفارتخانه ها، کنسولگری ها و کشتی های شناور در آب های آزاد و بین المللی به یک فرد بیگانه می دهد؛ چرا که بیشتر افراد به سفارتخانه ها و

کنسولگری‌ها پناه می‌برند که محل ماموریت‌های دیپلماتیک است. به این نوع پناهندگی، پناهندگی دیپلماتیک نیز گفته می‌شود (اردلان، ۱۳۸۷، ص ۵).

در پژوهش حاضر حضور پناهندگان افغان در قالب پناهندگی اجتماعی و جنگی تعریف می‌شود. چراکه باتوجه به جنگ‌های متعدد داخلی و اشغال افغانستان توسط کشورهای بیگانه (شوروی، ایالات متحده آمریکا)، شیوع نا امنی به نحوه گسترده در تمامی شهرهای این کشور حاکم شده و مردم برای تأمین امنیت و آرامش و ایجاد رفاه اجتماعی به ایران پناهنده شدند. گفتنی است با انقلاب اسلامی و حاکمیت اسلام به محوریت روحانیت، امید و اطمینان مردم افغان برای ایجاد زندگی بهتر در ایران بیشتر شده و به عنوان مقصد اول برای پناهندگی انتخاب شد.

۲-۳. حقوق پناهندگان در اسلام

۲-۳-۱. حقوق عمومی پناهندگان در اسلام

حق برخورداری از اقامتگاه و آزادی در انتخاب محل سکونت و گردشگری: مستلزم بهره‌مندی مستامن مقیم در دولت و جامعه اسلامی، بهره‌مندی او از داشتن اقامتگاه است؛ چراکه محرومیت وی از داشتن اقامتگاهی ثابت و در نتیجه سرگردانی اجباری او در داخل کشور، با اصل برخورداری بیگانگان از حداقل حقوق انسانی منافات دارد. علاوه بر آن، یک مستامن از حق آزادی گردشگری، عبور و مرور مناطق مختلف قلمرو اسلامی نیز برخوردار است (زجیلی، ۱۴۱۹ق، ص ۲۹۹).

مصونیت و آزادی فردی و خانوادگی: حفظ و مصونیت شخص مستامن نسبت به خودش و خانواده‌اش خواهد بود. حداقل مصونیت و آزادی شخصی مستامن و پناهنده به جامعه اسلامی آن است که جان و ناموس و آبروی او محترم و عزیز باشد؛ بنابراین نه تنها از طرف دولت اسلامی نباید مورد تهدید واقع شود، بلکه دولت اسلامی موظف به حفظ و حمایت از او در برابر تعدی و تجاوزهای اجتماعی شهروندان خود (مسلمانان و ذمی‌ها) برعهده دارد (طوسی، ۱۴۱۹ق، ج ۱، ص ۱۱۸).

حق بهره‌مندی از خدمات عمومی و زندگی شرافتمندانه: از بررسی مجموع احکام

اسلامی، این چنین فهمیده می‌شود که رعایت حداقل معیشت و مقدمات زندگی نسبت به کلیه ساکنان کشور اسلامی از جمله پناهندگان، لازم. ضروری است. بیگانه‌ای که به‌طور قانونی در سرزمین دولت اسلامی اقامت دارد، همچون اتباع آن دولت، از داشتن حق زندگی شرافتمندانه و در حد شأن خود، بهره‌مند و برخوردار است (اسماعیل‌نسب، ۱۳۹۳، ص ۱۱۴).

آزادی عقیده و مذهب: دولت و حکومت اسلامی، حکومتی دینی و مبتنی بر اسلام است ولی در عین حال بیگانگانی که پیرو سایر ادیان هستند نیز از حق و آزادی عقیده و رفتار مذهبی و دینی برخوردارند، البته این نکته گفتنی است که حکومت اسلامی آزادی رفتار دینی و مذهبی را تا زمانی محترم می‌شمرد که با اساس و مبنای دولت اسلامی و ارزش‌ها و مقدسات جامعه سیاسی اسلام و مسلمانان و مبانی و مسائل انسانیت در تعارض و تضاد نباشد (موسی‌زاده و کهریزی، ۱۳۹۴، ص ۲۵۵).

آزادی اندیشه، بیان، آموزش و تشکلات اجتماعی: اصولاً پناهندگان از حق و آزادی اندیشه، بیان، آموزش و تشکیل اجتماعات برخوردارند و قاعدتاً این آزادی‌ها مطلق نیست و با شرط عدم تعارض آن با اخلاق حسنه و نظم عمومی محدود می‌شود؛ همچنان‌که این محدودیت‌ها برای مسلمین ساکن در جامعه اسلامی نیز وجود دارد (عظیمی شوشتری، ۱۳۷۸، ص ۱۷۸).

تنها استثنایی که ممکن است فرض و مطرح شود این است که ممنوعیت ایجاد گرایش خاص دینی خود، در فرزندان است. چراکه دولت اسلامی برای حفظ آزادی بیشتر افراد برای انتخاب دین در هنگام بلوغ و کمال، درصدد است که فرد از زمان کودکی آزاد باشد تا بدون هیچ اکراهی و زوری، تنها براساس عقل و برهان، دست به انتخاب دین و مذهب و آیین خود بزند (فلسفی، ۱۳۹۵، ص ۱۰۳).

حق کسب تابعیت و شهروندی اسلامی: بیگانگان مستامن و مقیم، در جامعه اسلامی مثل بیگانگان خارجی و غیر مستامن، از حق برخورداری تابعیت و شهروندی دولت اسلامی برخوردارند. حکومت اسلامی موظف است که به درخواست آنان، پاسخ مثبت داده و با انعقاد عقد و پیمان تابعیت دولت اسلامی را به آنان اعطا کند. حتی هر زمان که

بیگانه‌ای برای تحقیق و شنیدن پیام اسلام، تقاضای امان و ورود به حکومت اسلامی را داشته باشد، پذیرش درخواست او بر فرد فرد مسلمین یا دولت اسلامی واجب و ضروری بوده و بدین صورت بیگانه حتی قبل از انعقاد قرارداد امان در مورد ورود به جامعه اسلامی و اقامت و سکونت در آن دارای حق و دولت اسلامی دارای تکلیف است، البته کسب این حق از مسیر عقد امان، میسر می‌گردد (طوسی، ۱۴۱۹ق، ج ۱، ص ۸۴).

۲-۳-۲. حقوق اقتصادی و اجتماعی پناهندگان در اسلام

حق مالکیت و مصونیت مالی: احترام به مالکیت، حق تملک و تملیک و مصونیت مالی مستامن، وظیفه حمایتی دولت اسلامی نسبت به اموال بیگانگان از اصول و مبانی مسلم نظام حقوقی اسلام و مورد اتفاق تمام اندیشمندان اسلام است. این اصل آن قدر مسلم و واضح است که نیازی به ذکر آن در عقد مهادنه یا امان نبوده و بیگانه به تبع امانی که برای شخص خویش می‌گیرد، خود به خود اموال خود را نیز در امان و مصونیت قرار می‌دهد.

حق اشتغال و آزادی شغل: اتباع جامعه اسلامی و بیگانه، از هر گروهی که باشند در اصل برخورداری از این حق، مساوی و مشترک هستند و بیگانگان تا زمانی که به‌طور مشروع و قانونی در کشور اسلامی به سر می‌برند، از این حق بهره‌مند می‌باشند. برخورداری بیگانگان از این حق، روشن و بدیهی است که نه تنها نیازی به ذکر آن در قراردادها و مربوط به حضور بیگانه در جامعه اسلامی نیست، بلکه اصولاً انجام کار در قلمرو اسلامی، یکی از فلسفه‌های مهاجرت بیگانگان به مملکت اسلامی بوده است تا آنجا که اگر تاجری، حتی بدون داشتن امان رسمی، با مال التجاره خویش وارد قلمرو اسلامی می‌شد، عنوان مستامن بر او تطبیق شده و از حقوق و مزایای مستامن بهره‌مند می‌گشت (زیدان، ۱۳۹۶، ص ۵۷۳).

۲-۳-۳. امنیت قضایی پناهندگان در اسلام

یکی از حقوق اولیه شخص پناهنده، مصونیت شخصی، خانوادگی و مالی پناهنده

حتی ترافع و امنیت قضایی است؛ چراکه بدون چنین حقی برای پناهنده و سایر بیگانگان مقیم جامعه اسلامی، سخن گفتن از مصونیت بی مفهوم و بی معنی خواهد بود؛ بنابراین هر زمان شخص بیگانه‌ای، شخصیت و آبروی او و یا دارایی و اموال او مورد تعرض و تعدی اتباع دولت اسلامی قرار گیرد یا در یک واقعه و اتفاق حقوقی، خسارتی به او وارد شود، حق مراجعه به دادگاه دولت اسلامی را دارد و دادگاه موظف و مکلف به رسیدگی است (زیدان، ۱۳۹۶، ص ۵۷۴).

ظاهراً در وجود اصل حق ترافع قضایی چه در مسائل کیفری و چه مسائل حقوقی در وقتی که خواهان، بیگانگان مستامن و خوانده ذمی یا مسلمان باشد، هیچ بحث و اختلاف نظری وجود ندارد؛ چراکه مستلزم عقد امام حمایت از مستامن در برابر اتباع دولت اسلامی است، اما آنجا که خوانده، بیگانه‌ای دیگر باشد، محل بحث و بررسی است. در کل می‌توان بیگانگان و مستأمن را از حق ترافع قضایی خصوصاً اگر اهل کتاب باشند، بهره‌مند دانست؛ هر چند در مورد قلمرو و محدوده استفاده از این حق اختلاف نظر وجود دارد (قاضی ابن براج، ۱۴۱۰ق، ص ۲۴۱).

۲-۳-۴. تکالیف و معافیت پناهندگان در اسلام

پناهندگان و مستأمنین در زمان حضورشان در جامعه اسلامی با توجه به وضعیت و موقعیت حاکم بر آنان، دارای یک سری معافیت‌هایی می‌باشند. نخستین معافیت، معذور بودن از تکلیف خدمت سربازی و دفاع مسلحانه از کشور اسلامی که در آن ساکن است، می‌باشد. حاکم اسلامی چنین حقی ندارد بیگانگان و پناهندگان را به خدمت سربازی یا اعزام در جبهه‌های نبرد مجبور کند. البته این نکته گفتنی است که شرکت آنان در دفاع، در صورتی که شخصاً راضی به انجام آن باشند، در صورت مصلحت و نیاز، مشکلی نخواهد داشت (ضیائی بیگدلی، ۱۳۸۵، ص ۱۱۰).

دومین معافیت، معذورت از پرداخت مالیات‌های اعلام شده توسط دولت اسلامی است. پناهندگان قاعدتاً از پرداخت مالیات‌هایی که مخصوص اتباع دولت اسلامی است، معاف‌اند (اردبیلی، ۱۴۰۹ق، ج ۱، ص ۱۸). اتباع مسلمان دولت اسلامی مکلف به

پرداخت مالیات‌هایی همچون خمس و زکات می‌باشند، در مقابل اتباع غیر مسلمان بجای آن با پرداخت جزیه به دولت اسلامی از پرداخت هر سه نوع مالیات مذکور معاف‌اند؛ چراکه عقد امان که به موجب آن شخص بیگانه در کشور اسلام حضور می‌یابد، بخصوص نسبت به بیگانه‌ای که برای شنیدن پیام اسلام امان گرفته، عقدی است بلاعوض، هر چند ذکر شرطی بر خلاف آن در ضمن عقد، منع و محذوریت قانونی ندارد (طوسی، ۱۴۱۹ق، ج ۱، ص ۴۹).

۳. رابطه قاعده التزام و مسئله پناهندگی

اصل التزام و پابندی به قراردادهای به‌عنوان دستوری مهم در مبانی دینی و حقوقی مطرح شده است و طرفین قرارداد می‌بایست نسبت به هر آنچه که در مفاد قرارداد خود ثبت و امضا کرده‌اند، پایبند باشند. بدیهی است که با عدم انجام وظایف و رعایت نکردن تعهدات توسط هر یک از طرفین، دیگر اهداف و آثار قرارداد محقق نشده و هر یک در مقام اعتراض قرار خواهند گرفت.

پناهندگان افغانی بعد از انقلاب اسلامی و سرنگونی نظام پهلوی، به امید زندگی بهتر در سایه امنیت و آرامش، به‌صورت قانونی و غیر قانونی وارد کشور ایران شدند. حضور آنها در این سال‌ها به قدری زیاد شده است که در اکثر شهرها، آنها مشغول کار و فعالیت شده‌اند و با تمام محرومیت‌ها و فشارهای روحی و روانی همچنان در جامعه ایران زندگی می‌کنند.

در سال‌های اخیر به خصوص در برهه‌هایی که فشار اقتصادی بر دولت ایران در سایه تحریم‌ها و سوء مدیریت‌های داخلی ایجاد شده است، مسئله اخراج پناهندگان افغانی بشدت از سوی رسانه‌های داخلی و خارجی مطرح شده و دولت ایران در صدد است تا با برگرداندن این پناهندگان (ادله مخالفین و موافقین اخراج پناهندگان افغانی در مقاله‌ای مجزا شایسته بحث و بررسی است)، نسبت به آنها سیاستی مشخص و معین در پیش بگیرد و بتواند قسمتی از مشکلات ایجاد شده در سایه عدم مدیریت و سامان‌دهی حضور پناهندگان افغانی را حل کند.

متأسفانه پس از انقلاب اسلامی و درگیر شدن دولت ایران در جنگ با عراق و بازسازی‌های پس از آن موجب غفلت از تصویب و برنامه‌ریزی در قبال پناهندگان افغانی شده و همین امر سبب بروز مشکلات متعدد در عرصه‌های گوناگون شده است. حضور پررنگ پناهندگان افغانی در زندگی مردم ایران و رابطه عمیق و تنگاتنگ ایرانیان و افغانی‌ها باعث شده است که اخراج آنها می‌تواند سبب بروز مشکلاتی مهم در زندگی روزمره ایرانیان و حتی اداره کشور (خصوصاً بخش مشاغل خاص) شود. چراکه در این چهار دهه گذشته، پناهندگان افغان قسمت عمده‌ای از کارهای طاقت‌فرسا و مشکل را انجام می‌دهند که قابلیت جایگزینی توسط کارگر ایرانی وجود ندارد.

حقوق پناهندگان در این سال‌های اخیر متأسفانه با عدم تصویب و رعایت قوانین متناسب، رعایت نشده است و این مسئله علت اصلی ایجاد ناهنجاری‌های فرهنگی و امنیتی برای دولت ایران شده است. به‌عنوان مثال عدم ایجاد فرهنگ‌سازی درست نسبت به نژاد مردمان افغان و معرفی نشدن آنان به‌عنوان ایرانیان اصیل (چراکه افغانستان در گذشته قسمتی از کشور ایران بوده و جزء اقوام ایرانی محسوب می‌شدند)، سبب بروز نگاهی تحقیرآمیز از طرف ایرانیان به آنها شده و این طرز تفکر به قدری تأثیرگذار بوده که در سنین مختلف پناهندگان افغانی با آن درگیر می‌شوند و همواره از این مسئله سرشکسته شده‌اند.

همچنین عدم سامان‌دهی و تشخیص در هویت پناهندگان افغانی و نداشتن کارت معتبر از سوی دولت ایران، زمینه‌ساز بروز مشکلات امنیتی شده و سبب بروز جرائم مختلف از سوی افغان‌ها شده است. واضح است چنانچه دولت ایران از همان سال‌های نخست پس از انقلاب اسلامی نسبت به سرشماری و تعیین و تشخیص هویت این پناهندگان اقدامات لازم را انجام می‌داد، هم اکنون شاهد بروز این مشکلات در زمینه امنیتی نبودیم.

از سوی دیگر پناهندگان افغانی با عدم رشد فرهنگ و تربیت متناسب با جامعه ایران، همچنین عدم تعهد و تقید به قوانین و مصوبات حقوقی پیرامون پناهندگان، سبب

تشدید این مشکلات شده‌اند. چرا که آنان فقط در زندگی خود در صدد ایجاد رفاه نسبی برای آینده خود و خانواده‌شان بوده‌اند و نسبت به وظایفی که به‌عنوان یک پناهنده داشته‌اند، کوتاهی کرده‌اند.

رفت و آمد آنان به‌صورت قاچاقی از مرزهای مختلف، ترویج و تبلیغ پوشش‌های نامناسب و خلاف شئون اسلامی در بطن جامعه و فضای مجازی، داشتن پرونده‌های متعدد در زمینه سرقت در کلان‌شهرها نمونه‌ای از عدم التزام پناهندگان افغان به چارچوب‌های حقوقی دولت ایران بوده است.

قاعده فقهی التزام در این موضوع جایگاه مهم و اساسی دارد؛ بنابراین چنانچه دولت ایران و پناهندگان افغانی به وظایف خود در قبال یکدیگر عمل کنند و این مسئله به‌صورت شایسته فرهنگ سازی شود، دیگر شاهد بروز چالش و مشکلات مختلف نخواهیم شد. بدیهی است که پیش‌فرض التزام هر یک از طرفین به مفاد قرارداد، تصویب قوانین و مصوبات حقوقی متناسب و با رعایت منافع طرفین است.

تاریخ ج.ا. ایران شاهد نمونه‌ای از نسل‌تربیت شده جوانان افغانی بوده که با حضور پررنگ خود به‌عنوان مدافعین حرم (در قالب تیپ فاطمیون) پا به پای ایرانیان در مبارزه با داعش در سوریه و عراق جنگیده و برای حفظ امنیت و سربلندی ایران اسلامی از جان خود گذشتند. مصاحبه‌ها، نوشته‌ها و کتاب‌هایی که در سرگذشت مدافعین حرم افغانی چاپ و منتشر شده است، همگی نشان‌دهنده دلدادگی آنها به انقلاب اسلامی ایران است.

رشادت، بصیرت و دفاع همه‌جانبه مردمان افغان در مبارزه با دشمنان جبهه مقاومت (با اینکه در کمترین امکانات رفاهی و شهروندی برخوردار بودند)، حاکی از آن است که چنانچه بتوان با تصویب قوانین منطقی و درست، همچنین با رعایت و احترام نسبت به حقوق پناهندگان و حفظ شخصیت آنها در بین مردم ایران، می‌توان به نحو شایسته از وجود آنها در سیاست‌های داخلی (عرصه‌های اقتصادی، فرهنگی و دینی) و خارجی (مبارزه با دشمنان خارجی و حفظ امنیت مرزها) از آنها بهره‌مند شده و از آسیب‌های احتمالی جلوگیری کرد.

نتیجه‌گیری

قاعده فقهی التزام به عنوان اصلی مهم و اساسی در عرصه سیاست داخلی و خارجی ج.ا.ایران مطرح می‌شود. دولت ایران برای تحقق اهداف و منافع خود در موضوع حضور پناهندگان افغان در ایران نیازمند قوانین و مقررات کارشناسی شده است تا بتواند در سایه تعهد و اجرای آن از بروز مشکلات و چالش‌های مختلف جلوگیری کند.

متأسفانه پس از انقلاب اسلامی و درگیری دولت ایران و نهادهای قانون‌گذاری به مسئله دفاع مقدس و سرکوب گروهک‌های تجزیه طلب (جنگ هشت ساله، قائله کردستان، نا امنی‌های گروهک‌های تکفیری در سیستان و بلوچستان)، از حضور پناهندگان افغانی غفلت شده و بسترهای قانونی برای استفاده از ظرفیت آنها و جلوگیری از مشکلات ایجاد شده توسط آنها به فراموشی سپرده شد.

در قدم نخست نتیجه این امر موجب عدم سرشماری و تعیین هویت آنها شده و زمینه‌ساز رفت و آمد آنان به صورت قاچاقی از مرزها شد و مشکلات دیگر در حوزه‌های امنیتی، فرهنگی، سیاسی و اقتصادی از این سوء مدیریت و عدم کنترل آنها ناشی شده است.

البته در سال‌های اخیر مجلس شورای اسلامی و سایر نهادهای حقوقی دولت ایران در صدد تصویب قوانین در این زمینه بوده‌اند و هم اکنون شاهد اجرای آن (البته به صورت ناقص) هستیم.

بنابراین طبق مفاد قاعده التزام، چنانچه هر یک از دو طرف قوانین و مصوبات حقوق پناهندگان (یعنی دولت ایران و پناهندگان افغانی) ملتزم و متعهد به رعایت مفاد آن به صورت کامل باشند، می‌تواند در جلوگیری از بروز این مشکلات تأثیرگذار بوده و با حفظ شخصیت حقوقی پناهندگان و استفاده از ظرفیت این پناهندگان در پیشبرد اهداف و آرمان‌های ج.ا.ایران حضور آنان در کشور ایران بلامانع بوده و حتی دولت ایران در مقام حمایت جدی از آنها قرار بگیرد.

این هدف در گرو سامان‌دهی اساسی به ظرفیت اقشار مختلف افغان (کودکان، نوجوانان، جوانان) بوده و بدیهی است با توجه به تفاوت‌های هر یک از این دسته

افراد، نیازمند برنامه‌ای کارشناسی شده، مدون و مطابق با فرهنگ و روحیات مردمان افغان است.

پیشنهادهات

با توجه به خلاها و ظرفیت‌های موجود نسبت به حضور پناهندگان افغان و آسیب‌شناسی‌ها و نظریه کارشناسان می‌توان برای جلوگیری و سامان‌دهی برای حضور افغان‌ها این اقدامات را توصیه کرده و بعد از نقد و بررسی تفصیلی توسط کارشناسان، به صورت سیاست کلی مد نظر گرفته شود.

۱- الزام به صدور کارت آمایش برای تمامی پناهندگان افغان به طور منظم به صورت سالیانه.

۲- الزام نسبت به رعایت چارچوب‌های فرهنگی و حجاب اسلامی به صورت شرط جهت زندگی در جامعه اسلامی ایران.

۳- ایجاد کارت بانکی شخصی برای کنترل و مدیریت تراکنش‌های مالی.

۴- بهره‌برداری از فضاهای آموزشی و تربیتی کودکان و نوجوانان افغان و تدوین دروس و سر فصل کلاس‌ها جهت آشنایی با مبانی انقلاب و اسلام شیعی.

۵- استفاده از طلاب افغانی جهت تبلیغ در محله‌ها و مکان‌های منتسب به افغان‌ها در ایام تبلیغی و نمازهای یومیه.

۶- ترویج و تبیین همبستگی فرهنگی و دینی بین مردم ایران و افغان در قالب سایت‌ها، کانال‌ها و برنامه‌های پخش شده از رسانه ملی.

۷- گسترش روابط دیپلماسی و سیاسی بین سران ایران و افغان و ایجاد زمینه‌های رفاهی برای پناهندگان افغان در کشور افغانستان به جهت بازگشت به کشورشان.

فهرست منابع

* قرآن کریم.

آهنگران، محمد رسول. (۱۳۹۷). واکاوی مبانی فقهی اصل لزوم در قراردادها به منظور ارزیابی چارچوب شرعی ماده ۲۱۹ قانون مدنی، دو فصلنامه حقوق اسلامی، ۱۹ (۴۸)، صص ۳۰۱-۳۱۸.

ابن منظور، محمد. (۱۴۱۴ق). لسان العرب. بیروت: انتشارات دارالفکر، چاپ اول
اردبیلی، محمد بن احمد (مقدس اردبیلی). (۱۴۰۹ق). مجمع الفائده و البرهان (چاپ اول). قم:
موسسه انتشارات اسلامی.

اردلان، اسعد. (۱۳۸۷). پناهندگی دیپلماتیک، نشریه سیاست خارجی، ۲۲ (۸۸)، صص ۹۵۱-۹۸۰.
اسماعیل نسب، حسین. (۱۳۹۳). مجموعه مهمترین اسناد کاربردی حقوق بین الملل (چاپ اول).
تهران: انتشارات جنگل.

الفت، نعمت الله. (۱۳۸۶). تأملی در مبانی ومفاد الزام و التزام در قراردادها، فصلنامه فقه و
حقوق، ۳ (۱۲)، صص ۹۳-۱۱۵.

انصاری، مرتضی. (۱۳۷۵ق). المکاسب (چاپ اول). تبریز: انتشارات اطلاعات.
انصاری، مرتضی. (۱۴۱۳ق). المکاسب المحرمه (چاپ دهم). قم: مجمع الفکر الاسلامی.
بایرامی فرد، بهمن و همکاران. (۱۳۹۶). بررسی تطبیقی پناهندگی در فقه اسلامی و حقوق بین
الملل، نشریه مطالعات بین المللی پلیس، ۷ (۳۱)، صص ۳۲-۴۹.

بجنوردی، سیدحسن. (۱۴۱۰ق). القواعد الفقهیه (چاپ دوم). قم: انتشارات اسماعیلیان.
حراعلی، محمد. (۱۴۱۴ق). وسائل الشیعه (چاپ اول). قم: موسسه آل البيت.
حرانی، حسن. (۱۴۰۰ق). تحف العقول (چاپ اول). تهران: انتشارات اسلامیه.
حسینی مراغی، میر عبدالفتاح. (۱۴۲۵ق). العناوین (چاپ اول). قم: انتشارات جامعه مدرسین.

حلی، حسن بن یوسف. (۱۴۱۵ق). مختلف الشیعه (چاپ اول). قم: انتشارات جامعه مدرسین.
ذکی، شفیقه. (۱۴۰۱). حقوق پناهندگان در اسلام و اسناد بین المللی، پژوهش نامه اسلامی حقوق،
۳(۵)، صص ۴۷-۶۷.

زحیلی، وهبه. (۱۴۱۹ق). آثار الحرب فی الفقه الاسلامی (چاپ چهارم). دمشق: دار الکفر.
زیدان، عبدالکریم. (۱۳۹۶ق). احکام الذمیین و المستامنین (چاپ چهارم). بغداد: العلوم
الاسلامیه.

صراف، حسین. (۱۴۰۲). لزوم وفا به قرارداد با غیرمسلمان (مطالعه تطبیقی در فقه و حقوق
ایران)، فصلنامه پژوهش های حقوق اقتصادی و تجاری، ۱(۳)، صص ۷۹-۱۰۹.
ضیائی بیگدلی، محمدرضا. (۱۳۸۵). اسلام و حقوق بین الملل (چاپ دوم). تهران: شرکت
سهامی انتشار.

طوسی، محمد بن حسن. (۱۴۱۹ق). النهایه فی مجرد الفقه و الفتوی (چاپ سوم). بیروت: دار
الکتاب العربیه.

عظیمی شوشتری، عباسعلی. (۱۳۷۸). حقوق اقلیت ها براساس قانون قرارداد ذمه (چاپ سوم).
تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.

فلسفی، نصرت الله. (۱۳۹۵). حق بر آموزش در حقوق بین الملل و حقوق ایران (چاپ اول).
تهران: انتشارات جنگل.

قاضی ابن دراج، عبدالعزيز. (۱۴۱۰ق). المذهب (چاپ اول). قم: جامعه مدرسین حوزه علمیه
قم.

قدیر، محسن؛ کاظمی فروشانی، حسین. (۱۳۹۷). بررسی پدیده پناهندگی از منظر اسلام و
حقوق بین الملل، فصلنامه پژوهش تطبیقی حقوق اسلام و غرب، ۵(۱۵)، صص ۱۱۹-۱۴۸.

مجلسی، محمد باقر. (۱۴۲۷ق). بحار الانوار (چاپ اول). قم: انتشارات فقه.

محمد نژاد چاووشی و کارجو اجیرلو. (۱۳۹۸). نقش رعایت حقوق شهروندی مهاجرین و
پناهندگان در توسعه پایدار از دیدگاه قرآن، نشریه تاریخ فرهنگ و تمدن اسلامی، ۱۰(۳۷)،
صص ۲۳-۳۶.

- مردانی و نویسندگان. (۱۳۹۹). وضعیت حقوق بیگانگان در ایران و ماهیت بین المللی، فصلنامه جامعه شناسی سیاسی ایران، ۳(۱۰)، ص ۶۴-۹۵.
- موسوی، سید احمد؛ نوجوان، علیرضا؛ علوی، سیدمحمدتقی. (۱۴۰۱). قاعده التزام به قراردادهای، فصلنامه علمی پژوهشی حقوق خصوصی، ۱۱(۴۰)، صص ۹۳-۱۲۷.
- موسی زاده، ابراهیم؛ کهریزی، رزیتا. (۱۳۹۴). حقوق پناهندگی در اسلام: منبعی برای توسعه حقوق بین الملل پناهندگی، اندیشه های حقوق عمومی، ۲(۷)، صص ۳۹-۵۶.
- نجفی، محمد حسن. (۱۴۰۴ق). جواهرالکلام (چاپ اول). تهران: دارالکتب الاسلامیه.
- وزیری و حمیسی. (۱۳۸۶). اصول مشروعیت پناهندگی و موارد مشابه آن در حقوق موضوعه، فصلنامه حقوق، ۳۸(۲)، تابستان ۱۳۸۷، صص ۳۶۳-۳۸۰.